

زکات

مسأله 1 - بنا بر قول مشهور، زکات بر نه چیز واجب است: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر. اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد با شرایطی که بعداً گفته می شود باید مال معینی را که در مسائل آینده خواهد آمد در مصارفی که گفته می شود صرف کند.

مسأله 2 - امام معصوم (ع) و نائب عام آن حضرت که فقیه جامع الشرائط و مبسوط الید است، می توانند زکات را به موارد دیگری از غلات مانند برنج، ذرت و امثال آن، یا حیوانات دیگر مانند اسب، تعمیم دهند.

تبصره: در زمینه پول نقد نیز، استنباط ما از مجموعه روایات زکات این است که: پول نقدی که راکد باشد و در گردش کار اقتصادی مانند تجارت، صنعت، زراعت و امثال آنها قرار نداشته باشد، در صورتی که یک سال بر آن بگذرد، باید یک چهلیم (یعنی: دو و نیم درصد) آن را به عنوان زکات بپردازند. این امر، غیر از مبلغ خمس است که به مقدار مازاد درآمد اشخاص تعلق می گیرد. البته وقتی یک بار زکات این مال پرداخت شود، دیگر به آن مبلغ، زکاتی تعلق نمی گیرد.

مسأله 3 - زکات با چند شرط واجب می شود:

1- مال به مقدار نصابی که بعداً گفته می شود برسد.

2- مالک آن بالغ و عاقل باشد.

3- بتواند در آن مال تصرف کند.

4- وجوب پرداخت زکات در حیوانات مذکور و طلا و نقره، مشروط به این است که یک سال بر آن بگذرد، ولی از اول ماه دوازدهم زکات تعلق می گیرد. زکات گندم و جو وقتی تعلق می گیرد که دانه آن بسته شود و به آن گندم و جو گویند و تعلق زکات خرما و کشمش موقعی است که میوه برسد، ولی وقت دادن زکات در گندم و جو زمانی است که آن را خرمن کنند و گاه را جدا نمایند و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شود، مگر این که بخواهند آن را به صورت تر بفروشند یا مصرف کنند که باید زکات آن را بدهند.

زکات غلات

مسأله 4 - زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب است که به حد نصاب برسد و نصاب آنها 847 کیلوگرم و 665 گرم می باشد.

مسأله 5 - اگر قبل از وقت پرداخت زکات مقداری از انگور و خرما و جو و گندم را مصرف کند یا بفروشد ، باید زکات آن را بپردازد.

مسأله 6 - هرگاه زراعت گندم و جو ، یا باغی که در آن انگور و خرما وجود دارد را قبل از واجب شدن زکات خریداری کند زکات بر عهده مالک جدید است و اگر بعد از آن که زکات واجب شده بخرد، زکات بر عهده فروشنده یعنی مالک قدیم است.

مسأله 7 - هرگاه انسان گندم و جو، یا خرما، یا انگور را بخرد و بداند فروشنده زکات آن را نداده است، معامله نسبت به مقدار زکات باطل است مگر این که حاکم شرع اجازه دهد، در این صورت قیمت مقدار زکات را از فروشنده می گیرد و اگر اجازه ندهد زکات را از خریدار خواهد گرفت و در صورتی که خریدار قیمت آن را به فروشنده داده می تواند از او پس بگیرد.

مسأله 8 - اگر وزن خرما و انگور موقعی که هنوز تر است به حد نصاب برسد و بعد از خشك شدن کمتر از این مقدار شود زکات آن واجب نیست.

مسأله 9 - اگر رطب و انگور را پیش از خشك شدن مصرف کند یا به فروش رساند، در صورتی زکات آن واجب است که خشك شده آنها به اندازه نصاب باشد.

مسأله 10 - غلّاتی که زکات آنها را پرداخته است، اگر چند سال هم نزد او بماند دیگر زکات ندارد.

مسأله 11 - مقدار زکات گندم و جو و خرما و انگور در صورتی که از آب باران، یا نهر و سد و یا رطوبت زمین مشروب شود، ده يك است، در مورد آب قنات هم احتیاط واجب، ده یک است؛ اما اگر با آب چاه یا به وسیله بالا کشیدن آب از رودخانه های عمیق آن را مشروب سازد، زکات آن بیست يك است.

مسأله 12 - اگر غلّات مذکور با آب باران و آب چاه آبیاری شود، چنانچه یکی از آنها بقدری کم باشد که به حساب نیاید، باید مطابق آن که غالباً مشروب شده زکات بدهد، ولی اگر از هر دو به مقدار متساوی مشروب شده است، باید زکات آن را نیمی به حساب ده يك و نیمی به حساب بیست يك بدهد.

مسأله 13 - اگر محصول غلات او خوب و بد دارد، باید زکات هر کدام را از همان جنس بدهد و یا قیمتش را حساب کند و نمی تواند زکات همه را از جنس بد بدهد، و اگر همه را از خوب بدهد بهتر است.

زکات طلا و نقره

مسأله 14 - برای طلا و نقره که دارای سکه رایج هستند (مانند دینار طلا و درهم نقره) با شرایطی شامل به حد نصاب رسیدن و گذشتن سال بر آن، باید زکات داده شود.

مسأله 15 - طلا دارای دو نصاب است:

نصاب اوّل آن 20 دینار است (هر دینار به اندازه یک مثقال شرعی طلا است)، هرگاه به این مقدار برسد و شرایط دیگر نیز در آن جمع باشد باید نصف دینار به عنوان زکات بپردازد و اگر به این مقدار نرسد زکات ندارد.

نصاب دوم 4 دینار است ، یعنی اگر 4 دینار به آن بیست دینار اضافه شود باید علاوه بر آن نصف دینار که به عنوان زکات بیست دینار پرداخت می شود ، مقدار یک دهم دینار هم برای این چهار دینار پرداخت شود، و اگر کمتر از 4 دینار اضافه شود فقط زکات همان بیست دینار واجب است و زیادی آن زکات ندارد، همچنین هر چه بالا رود، یعنی در مقابل هر 4 دینار که اضافه می شود، باید با همان نسبت که بیان شد، زکات آنرا بدهد.

مسأله 16 - نقره نیز دو نصاب دارد:

نصاب اوّل 200 درهم است که اگر به آن مقدار برسد و شرایط دیگر در آن جمع باشد باید 5 درهم به عنوان زکات بپردازد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

نصاب دوم 40 درهم است، یعنی اگر 40 در هم به آن 200 درهم اضافه شود باید یک درهم اضافه تر زکات بدهد و هرگاه کمتر از آن اضافه شود، فقط زکات همان 200 درهم واجب است و زیادی زکات ندارد، همچنین هر قدر بالا رود، به همین ترتیب محاسبه می شود.

مسأله 17 - هرگاه طلاها و نقره هایی که دارد جنس خوب و بد یا عیار کم و زیاد داشته باشند، زکات هرکدام را از همان می دهد، ولی بهتر آن است که زکات همه را از نوع مرغوب بدهد.

زکات حیوانات

مسأله 18 - زکات شتر و گاو و گوسفند در صورتی واجب است که علاوه بر شرایط عمومی که بیان شد (مانند رسیدن به حدّ نصاب و گذشتن یک سال بر آن) ، کاری مانند بار بردن و شخم زدن و امثال آن از آنها کشیده نشود، ولی اگر در تمام طول سال فقط یکی دو روز کار کرده بطوری که حیوان کارگر محسوب نشود، زکات آن واجب است.

مسأله 19 - شرط دیگر در وجوب زکات گاو و گوسفند و شتر این است که آن حیوان در چراگاه تغذیه شود و از علف بیابان بخورد. بنا بر این، حیوانی که در اسطبل نگهداری می شود و از علف دستی تغذیه می گردد، زکات ندارد.

مسأل 20 - حدّ نصاب گوسفند به این شرح است:

1- (40) گوسفند و زکات آن يك گوسفند است، و کمتر از آن زکات ندارد.

2- (121) گوسفند و زکات آن دو گوسفند است.

3- (201) گوسفند و زکات آن سه گوسفند است.

4- (301) گوسفند و زکات آن چهار گوسفند است.

5- (400) گوسفند و بالاتر، که باید برای هر صد تاى آنها يك گوسفند بدهد و مقداری که از صد تا کمتر است زکات ندارد و میان دو نصاب نیز زکات نیست، یعنی اگر گوسفندان به (40) رسیده است تا به نصاب دوم که (121) گوسفند است نرسد، فقط يك گوسفند می دهد و همچنین در نصابهای بعد.

مسأله 21 - حدّ نصاب گاو از این قرار است:

نصاب اوّل 30 رأس است، یعنی وقتی شماره گاوها به 30 رسد اگر شرایطی را که قبلاً گفته شد دارا باشد، باید يك گوساله نر یا ماده که لااقل داخل سال دوم شده باشد زکات دهد.

نصاب دوم 40 رأس است و زکات آن يك گوساله ماده است که لااقل داخل سال سوم شده باشد و آنچه در بین 30 و 40 باشد زکات ندارد، مثلاً کسی که (35) گاو دارد فقط زکات 30 رأس آن را

می دهد. و همچنین اگر از (40) گاو زیادتر شود تا به 60 نرسیده، فقط زکات همان 40 گاو را می دهد، و هرگاه به 60 رسید باید دو گوساله که لااقل داخل سال دوم شده بدهد، همین طور هرچه افزایش یابد آنها را سی سی، یا چهل چهل، و یا با 30 و 40 حساب کند و مطابق دستور بالا عمل نماید، اما باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر می ماند از 9 بیشتر نباشد، مثلاً کسی که 70 رأس گاو دارد باید به حساب 30 و 40 حساب کند و هر کدام را مطابق دستور بالا زکات بدهد و کسی که 80 رأس گاو دارد با حساب چهل چهل حساب کند.

مسأله 22 - حدّ نصاب شتر بدین شرح است:

اوّل: 5 شتر و زکات آن يك گوسفند است و کمتر از مقدار، زکات ندارد.

دوم: 10 شتر و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: 15 شتر و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: 20 شتر و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم: 25 شتر و زکات آن پنج گوسفند است.

ششم: 26 شتر و زکات آن يك شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: 36 شتر و زکات آن يك شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: 46 شتر و زکات آن يك شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: 61 شتر و زکات آن يك شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم: 76 شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

یازدهم: 91 شتر و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

دوازدهم: 121 شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل چهل حساب کند و برای هر 40 شتر يك شتر بدهد که داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه پنجاه حساب کند و برای هر پنجاه شتر يك شتر بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند، ولی در این جا نیز باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند و یا اگر باقی می ماند از 9 شتر بیشتر نباشد و شتری را که برای زکات می دهد باید حتماً ماده باشد.

مسأله 23 - مابین هر دو نصاب از نصابهایی که بیان شد، زکات ندارد، یعنی اگر از نصاب اول که 5 شتر است بگذرد تا به نصاب دوم که 10 شتر است نرسیده، فقط زکات 5 شتر را می دهد، همچنین در نصابهای بعد.

مسأله 24 - اگر چند نفر باهم شریک باشند، هر کدام که سهم او به حد نصاب برسد باید زکات را بدهد.

مسأله 25 - اگر يك نفر در چند جا گوسفند یا گاو و شتر دارد و روی هم رفته به حد نصاب برسد، باید زکات آن را بدهد.

مسأله 26 - اگر همه گوسفندان و گاوها و شترها سالم و بی عیب و جوان باشد نمی تواند زکات آنها را از مریض یا معیوب و پیر بدهد، و اگر همه آنها مریض یا معیوب یا پیر باشند می تواند زکات را از خود آنها بدهد؛ اما اگر بعضی سالم و بعضی مریض، دسته ای معیوب و دسته ای بی عیب، مقداری پیر و مقداری جوان باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید سالم و بی عیب و جوان را انتخاب کند.

مصرف زکات

مسأله 27 - مصارف زکات عبارتند از :

1 و 2- «فقرا» و «مساکین» ، و آنها کسانی هستند که مخارج سال خود و عیالاتشان را ندارند و به عبارت دیگر، دخلشان از خرجشان کمتر است. تفاوت فقیر و مسکین در این است که فقیر روی سؤال از کسی ندارد، اما مسکین نیازمندی است که روی سؤال دارد و از تقاضای کمک از دیگران، خجالت نمی کشد.

3- کسانی که از طرف امام یا نایب او مأمور جمع آوری زکات یا نگهداری یا رسیدگی به حساب آن و یا رساندن آن به امام و نایب او، یا رساندن به مصارف لازم هستند ، این اشخاص که "عاملین" نامیده می شوند، می توانند به اندازه زحمتی که می کشند و به عنوان دستمزد، از زکات بهره مند شوند.

4- افرادی که پرداخت مالی از زکات به آنها، موجب تألیف قلوب آنها می شود و به حمایت از اسلام و مسلمین تمایل پیدا می کنند.

5- خریدن برده ها و آزاد کردن آنها.

6- اشخاص بدهکاری که نمی توانند قرض خود را ادا کنند.

7. «سبیل الله» یعنی کارهایی مانند ساختن مسجد، مدرسه، مراکز تبلیغاتی دینی، نشر کتابهای مفید اسلامی و به طور کلی آنچه موجب ترویج و تقویت دین خدا می شود.

8. «ابن السبیل» یعنی مسافری که در سفر مانده و مخارج سفر ندارد، هر چند در شهر و دیار خود غنی و بی نیاز باشد؛ چنین شخصی به اندازه هزینه سفر که مورد نیازش است می تواند از زکات بهره مند شود.

مسئله 28 - کسبه، کارمندان و کارگرانی که درآمد آنها از مخارج سالشان کمتر است می توانند کسری مخارجشان را از زکات بگیرند و لازم نیست ابزار کار خود را به مصرف مخارج برسانند.

مسئله 29 - کسی که می تواند با یاد گرفتن صنعت یا کارهای دیگر زندگی خود را اداره کند، باید یادگیرد تا نیازی به زکات نداشته باشد، ولی تا زمانی که مشغول یاد گرفتن است و درآمدی ندارد یا درآمد او کمتر از هزینه متعارف زندگی اوست، می تواند زکات بگیرد.

مسئله 30 - لازم نیست به فقیر بگویند که این مال زکات است، بلکه می توانند زکات را به صورت محترمانه به او بدهند و در ذهن خود، نیت زکات کنند.

مسئله 31 - کسی که برای تامین هزینه زندگی و مصارف متعارف خود وام گرفته و بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، می تواند برای دادن قرض خود زکات بگیرد، هر چند مخارج سال خود را داشته باشد، به شرط این که درآمد او از مخارج سالش زیادتر نباشد.

مسئله 32 - مسافری که خرجی او تمام شده، یا اموالش به سرقت رفته، یا مرکبش از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با فروختن چیزی یا قرض کردن مالی خود را به مقصد برساند، می تواند زکات بگیرد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد و لازم نیست بعد از رسیدن به وطن مقداری را که از باب زکات گرفته برگرداند، ولی اگر بعد از رسیدن به وطن چیزی از زکات زیاد آمده باشد باید آن را به حاکم شرع پس بدهد و بگوید زکات است.

مستحقین زکات

مسئله 33 - کسانی که زکات می گیرند باید شرایط زیر را داشته باشند:

اول، ایمان به خدا و پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه دوازده گانه(علیهم السلام). به اطفال یا دیوانگانی که از مسلمانان شیعه فقیر باشند می توان زکات داد، منتهی باید زکات را به دست ولی

آنها بدهند، و اگر به ولی دسترسی ندارند می توانند خودشان یا به وسیله يك نفر امین زکات را برای احتیاجات آنها صرف کنند.

دوم، دادن زکات باید موجب کمک به گناه نشود، بنابراین زکات را به کسی که آن را در معصیت صرف می کند نمی توان داد.

سوم، واجب النّفقه نبودن، یعنی زکات را نمی توان به فرزند و همسر و پدر و مادر داد.

چهارم زکات گیرنده از سادات نباشد.

مسأله 34 - در زکات قصد قربت شرط است، یعنی باید با نیت اطاعت فرمان خداوند زکات بدهد.

مسأله 35 - کسی که می تواند زکات را به مستحق برساند و تأخیر بی جا و کوتاهی کند و مال از بین برود و یا خسارت ببیند، ضامن است و باید عوض آن را بدهد ولی اگر کوتاهی نکرده باشد چیزی بر او نیست.

مسأله 36 - اگر از زکاتی که جدا کرده و کنار گذاشته منفعتی حاصل شود، مثلاً گوسفندی باشد که برّه بیاورد، آن نیز جزء مال زکات است.

زکات فطره

مسأله 37 - کسی که قبل از غروب آخرین روز ماه رمضان، بالغ و عاقل و غنی باشد واجب است برای خودش و کسانی که نانخور او هستند، هر نفر به اندازه يك صاع (تقریباً سه کیلو) از آنچه غذای نوع مردم آن محل است، به مستحق بدهد و اگر پول آن را بدهد صحیح است.

مسأله 38 - غنی کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را دارد، یا از طریق کسب و کار به دست می آورد. اگر کسی چنین نباشد فقیر است و پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست.

مسأله 39 - انسان باید فطره کسانی را که قبل از غروب شب عید فطر نانخور او حساب می شوند بدهد، خواه بزرگ باشند یا کوچک، مسلمان باشند یا کافر، واجب النّفقه باشند یا غیر واجب النّفقه، نزد او زندگی کنند یا در جای دیگر.

مسأله 40 - میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحب خانه وارد شده، دادن زکات فطره او بر صاحب خانه واجب است.

مسئله 41 - اگر پیش از غروب آخرین روز ماه رمضان ، بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، پرداخت زکات فطره او واجب است، ولی اگر بعد از غروب باشد زکات فطره او واجب نیست.

مسئله 42 - اگر انسان نانخور کسی باشد، ولی قبل از غروب آخرین روز ماه رمضان، نانخور شخص دیگری شود، زکات فطره او بر عهده شخص دوم است، مثل این که دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود که شوهرش باید فطره او را بدهد.

مسئله 43 - اگر زکات فطره انسان بر دیگری واجب باشد، بر خود او واجب نیست؛ اما اگر در وقت یادشده ، نانخور شخصی باشد که آن شخص فقیر است، در این صورت خودش باید زکات فطره خود را بدهد.

مسئله 44 - کسی که سیّد است نمی تواند زکات فطره از غیر سیّد بگیرد.

مسئله 45 - طفل شیر خواری که از مادر یا دایه شیر می خورد، فطره او بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می پردازد و اگر از اموال خود آن طفل خرجش را بردارند، فطره او بر کسی واجب نیست، نه بر خودش و نه بر دیگری.

مسئله 46 - واجب است زکات فطره ای را که انسان می پردازد، از مال حلال باشد.

مسئله 47 - اگر انسان کسی را اجیر کند و شرط نماید که مخارج او را بدهد، در صورتی که عرفا نانخور او حساب شود (مانند خدمتکار) باید فطره او را هم بدهد، ولی در مورد کارگرانی که مخارج آنها بر عهده صاحب کار است و این مخارج جزئی از مزد آنها محسوب می شود، فطره آنها بر صاحب کار واجب نیست، همچنین در میهمانخانه ها و مانند آن، که معمول است کارکنان غذای خود را در همان جا می خورند و این در حقیقت جزء حقوق آنها محسوب می شود، فطره آنها بر خودشان است، و بر صاحب کار واجب نیست.

مسئله 48 - مخارج سربازها در پادگان ها یا میدان جنگ بر عهده دولت است، ولی فطره آنها بر دولت واجب نیست و اگر شرایط در خودشان جمع است باید زکات فطره خود را بدهند.

مسئله 49 - اگر کسی بعد از غروب روز آخر ماه رمضان از دنیا برود، باید فطره او و عیالاتش را از مالش بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد ، پرداخت زکات فطره او واجب نیست و در صورتی که عیالاتش دارای شرایط وجوب فطره هستند خودشان باید زکات فطره خود را بپردازند.

مسئله 50 - در زکات فطره مانند زکات مال، قصد قربت لازم است، یعنی باید برای اطاعت فرمان خدا زکات فطره بدهد.

مسأله 51 - زکات فطره را نمی تواند قبل از ماه رمضان یا در ماه مبارك رمضان قبل از وقت غروب آخرین روز ماه بدهد، ولی اگر پیش از ماه رمضان یا در ماه رمضان چیزی را به فقیر قرض دهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد طلب خود را به جای فطره حساب کند مانعی ندارد.

مسأله 52 - در زکات فطره می تواند به جای جنس، پول آن را بدهد، ولی باید توجّه داشت ملاک، قیمت خرده فروشی در بازار آزاد است نه قیمت عمده فروشی و به تعبیر دیگر باید پولی بدهد که فقیر اگر بخواهد بتواند با آن همان جنس را از بازار بخرد.

مسأله 53 - اداء زکات فطره نباید از وقت ظهر شرعی در روز عید فطر، به تاخیر بیفتد و کسی که نماز عید فطر را می خواند باید فطره را پیش از نماز عید بدهد یا کنار بگذارد تا پس از آن بپردازد، و اگر نماز عید را نمی خواند، حدّ اکثر می تواند پرداخت آن یا کنار گذاشتن آن را تا ظهر روز عید فطر به تأخیر بیندازد. اگر تا آن وقت نیز نپردازد و کنار نگذارد، باید بعداً با قصد قربت بدون نیت اداء و قضاء بپردازد.

مسأله 54 - اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و کوتاهی کرده و نپرداخته، باید عوض آن را بدهد و اگر دسترسی نداشته و در حفظ آن نیز کوتاهی نکرده چیزی بر او واجب نیست.

مسأله 55 - زکات فطره باید در همان مواردی که برای مصرف زکات بیان شد، صرف گردد.